

بازتاب مسائل اجتماعی در ضرب المثل‌های مردم میناب (هرمزگان)

سهراب سعیدی*

این مقاله به بررسی مختصر بازتاب مسائل اجتماعی در ضرب المثل‌های مردم میناب می‌پردازد و از این رهگذر خصایص فرهنگی، سیر تفکر و اندیشه و تحول زندگی مردم این شهر را از گذشته‌های دور تا امروز دنبال می‌کند. به این منظور ابتدا دو تمثیل و سپس چند ضرب المثل را ذیل عنوان‌بندی‌های موضوعی مرور می‌کنیم:

دو تمثیل:

– یزد دُورنِ گز دُورنِ (yazd duren qaz durnan)

معنی: شهر یزد دور است ولی درخت گز که دور نیست.

گفته‌اند که در دوران گذشته شخصی در بین روستائیان لاف می‌زد که پدرم به یزد سفر کرده و در آنجا از روی صد درخت گز پریده است. حاضران گفتند برو پدرت را بیاور تا همان کار را در اینجا انجام بدهد. چرا که اگر شهر یزد دور است اما درخت گز که در دسترس است.

این ضرب المثل در مقام پاسخ به افراد لاف‌زن و یاوه‌گو کاربرد دارد.

– آگه نمکه انگشتی بسَه (aga nemeka angošti basa)

معنی: اگر نمک بود همان مقدار کمی که خوردم کافی بود.

گفته‌اند که شبی دزدی به خانه‌ای رفت و وسایل خانه را جمع کرد اما هنگامی که قصد رفتن کرد چشمش به گرد سفیدی افتاد، نزدیک شد و قدری چشید تا بداند چیست، و چون دانست که نمک است هر چه را برداشته بود به جای خود برگرداند و گفت: من نمک صاحب‌خانه را خورده‌ام و نمک خورده او شده‌ام، پس جایز نیست که چیزی از خانه او بدزدم.

جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های میناب

- زنی خوبین که نون اکنت (zani xoben ke non akont)

آتش تو کودون بون اکنت (āteš to kudon bon akont)

معنی: زنی خوب است که خودش در آتشدان، آتش روشن می‌کند و نان می‌پزد.

مفهوم عامیانه: زن خانه‌دار خوب است.

- زن بیوه بکن که مال داره (zane bive bokon ke māl dāre)

شب نیمه شبی چنگال داره (šab-o- nima šabi čangāl dāre)

معنی: با زن بیوه ازدواج کن که مال و دارایی دارد و در خانه‌اش همیشه، چنگال (نوعی شیرینی) هست.

مفهوم عامیانه: زن بیوه مال و تجربه دارد.

- دلم خوشن که زن بگم (delom xwašen ke zane bagom)

پا پتی ذنبال سغم (pā pati donbāle saqom)

معنی: به آن دل خوش کرده‌ام که همسر ارباب و شخص ثروتمندی هستم، اما با پای برهنه به دنبال سگ‌ها می‌دوم.

مفهوم عامیانه: کسی را می‌گویند که در تصور دیگران خوشبخت است اما زندگی نابسامانی دارد.

جایگاه مرد در ضرب‌المثل‌های میناب

- مرد مگه خودی تَجک بُبوت (mard maga xodi tajk bobot)

معنی: انسان مگر خودش از کارش شرم‌منده و پشیمان شود که با حرف و نصیحت خوب نمی‌شود.

مفهوم عامیانه: کسی که خودش جوهره خوب‌شدن را نداشته باشد و از کارهای خود که برخلاف اجتماع و عرف است دست برنمی‌دارد.

- مرد دو زنی شو تو مسجد آخوت (marde do zani šove to masjed axovet)

معنی: مردهایی که دو زن دارند، شب‌ها در مسجد می‌خوابند.

مفهوم عامیانه: مردهایی که دو زن دارند همیشه سرگردانند.

- مرد کور دو چه‌م بشتری ناوا (mārde kar do čehm bešterināvā)

معنی: انسانی که کور باشد از خداوند دو چشم بیشتر نمی‌خواهد.

مفهوم عامیانه: انسان اگر قانع باشد به اندازه نیاز و احتیاج خود مسائل را طلب می‌کند.

- مرد فخیرا رو اُشتر سفی اگنت (marde faxir arovy e aštor safi aqent)

معنی: مرد فقیر روی شتر هم که بنشیند، سگ، او را گاز می‌گیرد.

مفهوم عامیانه: مرد فقیر بدشانس است.

جایگاه عروس در ضرب المثل‌های میناب

-گروه که مُمی تعریفی بکن لایق (لایک) دم بشکیشن

(qowvoh ke momi tarifi bokont lāyek dame boškišeh)

معنی: عروس که مادرش از او تعریف و تمجید کند لایق منزل پدرش است.

مفهوم عامیانه: با عروسی که مادرش از او تعریف می‌کند نباید ازدواج کرد.

گروه ما خودی کورا بهنیشن که خر لفتی زدی

(qowvon mā xodi kora bohnišen ke xar laqati zadi)

معنی: عروس ما خودش از اول کور بود ولی بهانه آورده‌اند که لگد خر چشم او را کور کرده است.

مفهوم عامیانه: دنبال بهانه‌جویی هستند و بیخود گناه خود را گردن دیگران می‌اندازند.

هنو پی دومارُن خبری نین

(hanowz pi dormāron xabari nin)

پی گروه هویج اکو بیدنن

(pi qowvon havij akobidenan)

معنی: هنوز در منزل داماد خبری نیست در منزل عروس هویج می‌کوبند.

مفهوم عامیانه: فامیل‌های عروس عجول و دست‌پاچه هستند و کمی هم طمع‌کار.

جایگاه پسر و دختر در ضرب المثل‌های میناب

هر جا دُختن خونه‌ی مُمی سوختن

(har jā dohten xoneye momi sohten)

معنی: هر جایی که دختر است خانه مادرش سوخته است.

مفهوم عامیانه: شوهر دادن دخترها کار سختی است.

- دُختی که جونن ابراری پیدان

(dohti ke jonen a berari peydān)

معنی: دختری که زیباست از برادرش معلوم می‌شود.

مفهوم عامیانه: در قدیم به علت اینکه در میناب، دیدن دختر برای انتخاب همسر به همسری آسان نبوده، گاه با دیدن برادرش پی به

زیبایی خواهرش می‌بردند.

اسب جُنیِ اِ طویلہ رد نابوت

(asbe joni e tavila rad nabot)

و دُحتہ جُنی از قبیلہ (کبیلہ)

(-o- dohte joni az kabila)

معنی: اسب خوب را کسی نمی فروشد و دختر زیبا نیز در قبیلہ شان می ماند.
مفهوم عامیانه: اسب خوب و دختر زیبا، خواهندگان و خواستگاران زیادی دارند.

- چو کن نه گازین ممون نه خونه کافین

(čokon na qāziyan momon na xona kāziyan)

معنی: پسرها در حال بازی کردن هستند ولی مادرهایشان در خانه قاضی ها.
مفهوم عامیانه: مادران از نادانی و بی توجهی پسران سوء استفاده می کنند.

چو کمدی یکی ات دی همت دی

(čuke madi yakiyet di hamatdi)

معنی: پسرهای محمد را اگر یکی دیدی حساب کن همه آنها را دیده ای
مفهوم عامیانه: شباهت چیزی را می رساند.

جایگاه اصل و نسب در ضرب المثل های میناب

اگر اطلسی کنی، کانی بپوشی که دُحتِ گرگا فروشی

(aqar atlasi koni kāni bopoši ke dohte qorqā forowši)

معنی: اگر پیراهن اطلس و گرانبهایی بپوشی باز هم تو دختر سبزی فروش هستی.
مفهوم عامیانه: اصل و نسب انسان به خود او وابسته است نه به لباسش.

اگر کورن که دحت ریسن

(aqar koren ke dohte riseh)

معنی: اگر نابیناست ولی دختر آقازاده است.
مفهوم عامیانه: دارای اصل و نسب است.

جایگاه ضرب المثل و کار در میناب

بکن کار و مشو محتاج خویشان

(bokon kār -o- mašove mohtāj xišān)

که مردن به بود از طعن ایشان

(ke morden beh bovad az taene ixšān)

معنی: برو کار کن تا محتاج خویشاوندان نشوی، چراکه مردن بهتر از محتاج آنها بودن است.

مفهوم عامیانه: کارکردن بسیار خوب است.

وقت گرده چه مون کچلو پرده درده

(vakte qerda čehmone kačalov parda derda)

وقت کار و بارن کچلو سر کنارن

(vakte kār -o- bāren kačalov sare konāren)

معنی: تا نان وجود دارد، چشمان کچل دوخته به نان است ولی وقت کار که می‌رسد کچل را نمی‌بینی.

مفهوم عامیانه: کچل فرد تن‌پرور و آسایش‌طلبی است و اصلاً کار نمی‌کند.

نمونه‌ای از ضرب‌المثل‌های رایج در میناب

دست لولی کسی خرده آهن ناچینت

(e daste lovli kase xowrda āhen nāčeynt)

معنی: از دست لولی کسی خرده آهن جمع نمی‌کند.

مفهوم عامیانه: از دست فرد خسیس چیزی گیر آدم نمی‌آید.

تا باغ ثمری هه باغپون دوری آچرخت

(to bāq samari ha bāqpon dovri ačarxet)

معنی: تا هنگامی که باغ میوه دارد باغبان دورش می‌چرخد.

مفهوم عامیانه: تا وقتی که سود و منفعتی از جانب تو به من می‌رسد من دوست تو هستم.

انخورده و نبرده بگری درد گورده

(e naxwrda -o- naborda beqeri dared qorda)

معنی: هنوز چیزی نخورده ولی کلیه درد گرفته است

مفهوم عامیانه: هنوز کاری انجام نداده ولی با مشکلات زیادی روبرو شده است.

خار خوبن سر موع خودی تیز بوبوت

(xār xoben sar moq xowdi tize bobut)

معنی: چه خوب است که تیغ نخل به خودی خود تیز باشد.
مفهوم عامیانه: انسان باید ذاتاً جوهره چیزی را داشته باشد.
فلانی باری بار باغدارن

(felāni bāri bāra bāq dāren)

مفهوم عامیانه: فلانی همه کارهایش به عهده دیگران است و خود از سختی آن خبر ندارد.
- فلانی مثل دار رکی پوشن

(felani mesle dāre raki povšen)

مفهوم عامیانه: فلانی خیلی به سر و وضع ظاهری اش می‌رسد و ادعای کلاس می‌کند.
- سغ کن سغ مم دادی

(saqe ken saqe mom dādi)

معنی: سگ کیه، سگ مادر داد محمد
مفهوم عامیانه: کنایه از انسان بی‌قدر و منزلت است.
- کرش (قُرش) چه بدنت کدر (قدر) هو و نمک

(koroš če bodont kadre how -o- nemek)

معنی: قرش قدر آب و نمک را نمی‌داند.

مفهوم عامیانه: کنایه از این که هر فردی ارزش چیزها را نمی‌داند.

- گینگ دور چربی اگردت

(qireq dore čarbi aqardet)

معنی: مورچه‌ها به دنبال چربی هستند.

مفهوم عامیانه: کنایه از افرادی که به دنبال سود و منافع هستند و با افراد مرفه رابطه دوستی برقرار می‌کنند.

جهله‌ساز جهله‌ای نین کره‌ساز کره‌ای نین

(jahlasāz jahleye nin karbasāz karbayenin)

مفهوم عامیانه: کوزه‌ساز و آفتابه‌ساز خودشان این وسایل را ندارند.

